

مناجات شاعرانه

به پیشوار حلول ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۶ خورشیدی برای اهل ایمان این سی طاعات شاعرانه را

اهدای می‌کنم. بنیر پاس

۱

الهی کینه‌ها را دور گردان
به درگاہت دلم مزدور گردان

به روز شتر از روی حییت

تمام مومنان مسرور گردان!

۲

الهی روزه دارم بر لب خود
چراغان شمع سازم از تب خود

ز افطار و تراویح مسلمان

چه گویم از خوشی‌های شب خود

۳

الهی عاجز ترم کن
به چشم مردمان خاکسترم کن

بکن لطفی نا آگاه زلفت
علوم عاشقی را در سرم کن!

۴

الهی فکر ما را صید میکن
به عشقت ذکر ما را قید میکن

ز تاریکی شب، دورم نگهدار
شمع ایمان خورشید میکن!

۵

الهی بر لبم نام تو باشد
نفس حا لطف و پیغام تو باشد

شراب کوثر و آب حیاتم
به هر دو کون از جام تو باشد

۶

الهی مومنان بیدار میکن
مسلمان را چنین هشیار میکن

ز نفرت حا و تهمت حا و غفلت
به فیض معرفت نادار میکن!

۷

الهی رانده ای شیطان ز کرم
قبول فرمانوا آه و ذکر م

به راه استواری حایب ایمان
نمودی پیر خلوت های بکرم

۸

الهی با حقیقت آدمم کن
سفیر عاجزی در عالمم کن

رکوع و سجده و تکرار نامت
عجین هر نگاه و هر دمم کن!

۹

الهی حرف پاکت رهنمایم
در رحمت کشودی از برایم

به عوش آواره ای اثبات بودم
به عشق ایمان دادی هر کجا

۱۰

الهی بر من مسکین نظر کن
مرا روشن ضمیر همچون سحر کن

نیاتم را نماز عشق گردان
خداوندا دعایم پر شکر کن!

۱۱

الهی کن رضایت را نصیبم
چو من بی مدعی را کن حمیم

قدوم اهل رنگ و لاف حارا
دگر مگذار باری در قریم

۱۲

الهی پیرو الفت فزون کن
ز فکر خلق خود خواهی برون کن

به قلب کینه تو زان زمین هم
مجت بخش و نفرت را ز بون کن!

۱۳

الهی بر تو زید کبریایی
مرا وارسته کن از خود غایبی

حریم واپسینم خاک باشد
تو ذات دایم و شاه بقایبی

۱۴

الهی نام تو والاترین است
امید آدم و دنیا و دین است

دلم در حرّتش مکرار خواند
چنین است چنین است و چنین است

۱۵

الهی فرقہ بازی را بکن کم
منم از حال مومن دیده پرغم

کلی قرآن ز تو بر احمد آمد
ز چندین برتری جوئی است ماتم

۱۶

الهی سجد و جدان کم شد
کجا شد جوهر انسان کم شد

خلیفه در زمین دنیا بود
حساب سارق و دربان کم شد

۱۷

الهی هر امید و هر پناهم
غلام و بنده ام باشی تو شام

به جزوار سگنی از دست شیطان
دگر چیزی ز درگاهت نخواهم

۱۸

الهی میدهد رحمت هوایت
شوم قربان نور تیره سایت

ندانم من حساب عاجزی را
چه اعجازیست یارب هر نایت

۱۹

الهی هر نفس اندر منی تو
سوایی هر شک و سوختنی تو

ز نور و عطر و ابرو بحر و کوهها
به جان کاینات و هر تنی تو

۲۰

الهی عاشقی را قدرتم کن
چو عاشق در خفا پر شهرتم کن

مرنجان و مرنج و ذکر و یادت
چو عادت تا ابد در فطرتم کن!

۲۱

الهی درد بیماران دوا کن
مریض آدمیت را شفا کن

ز حال تنگدستان و غریبان
مشقت را به لطف خود سوا کن!

۲۲

الهی رحمت بی اتحا است
به حال بندگانت هر کجا است

تو رحمان و رحیم و هم کریمی
صفات عالیت یارب به جا است

۲۳

الهی بندگی باشد سزایم
رضایت را نمودم من رضایم

در این راه استواری بخش یارب
پناه عشق یاور کن برایم!

۲۴

الهی مرد میدان جنوغم
ز نامردی تا مردان زبوغم

به بزم یکی ذکر تو دارم
به شکر عشق خواحان توغم

۲۵

الهی ہرزہ کی راہ دور کردان
مراد در عاشقی و خور کردان

اگر در راہ جزایان نغمہ کام
مرا بر ترک آن مجبور کردان

۲۶

الهی آفتاب نور تو دارد
زحل تا ماہتاب نور تو دارد

قرآن پاک در ہر آیہ خود
خدایابی حساب نور تو دارد

۲۷

الهی بس غلط تعبیر کردند
به چشم خلق آن تصویر کردند

تو روحانی ولی بر عکس گفتند
شیاطین نام بد تکبیر کردند

۲۸

الهی در قناعت قهر مانم
نگر هر نفس در آستانم

خوشی زندگی در کام کردم
به عیش جاودان در هر زمانم

۲۹

الھی مکر و باروت ہمنوا شد!!!
جھان در ماتم و فقر و عزا شد

صلیبی بم فروش و نیک نام است
مسلمانان شہید ماجرا شد

۳۰

الھی آن محمد ص رحبر ماست
رسولت منجی و ہم سرور ماست

حدیث نور دارد تا قیامت
کہ قرآن و خدائش باور ماست.

تمام این چھار پارہ عا را از تاریخ ۱۵ اگست سال ۲۰۰۷ میلادی الی ۵ ستمبر ۲۰۰۷ میلادی سرودم.

سید نیر پاس